

برای بازگشت ورزش به مسیر طبیعی‌اش باید
چند گام مهم برداشته شود:

آموزش هواداری مسوولانه
باشگاه‌ها و مدارس باید فرهنگ هواداری را به
نسل جدید آموزش دهند.
نظارت دقیق بر فضای مجازی: نه با سانسور،
بلکه با پیگیری حقوقی توهین و تهدید.
برپرسه‌بایی اجتماعی تنش‌ها: بسیاری از
دعواهای ورزشی ریشه در شکاف‌های
عمیق‌تری دارد.

مسئولیت‌پذیری رسانه‌ها و مدیران تحریک احساسات قومی برای افزایش بازدید، خیانتی است به جامعه.

حمایت از گفتگوی بین هواداران: ساخت پروژه‌های مشترک فرهنگی میان هواداران دو شهر می‌تواند یخ دشمنی را آب کند.

۱- جمع بندی

ورزش حرفه‌ای اگر چه با شعار صلح و دوستی آغاز شد، اما امروز زیر سایه فشارهای اجتماعی و فضای مجازی می‌تواند تبدیل شود به میدان نفرت. اتفاقات مسابقه گهرزمین سیرجان و تیم تبریزی تنها یک هشدار بود؛ هشدار آنی که می‌گوید شکارهای اجتماعی را نمی‌توان پشت سوت داور پنهان کرد.

ورزش می‌تواند همچنان زبان صلح باشد، اما به شرطی که ما نیز یاد بگیریم ورزش را از فریادهای نفرت دور نگه داریم. ورزش باید جایی باشد برای باهم بودن، نه علیه هم بودن؛ جایی برای رقابت سالم، نه بازتولید دشمنی‌های مصنوعی.

اگر مراقب نباشیم، «فاشیسم مجازی» همان‌طور که کلمات را مسموم کرده، ورزش را هم خواهد لعلد.

بد نیست در امر فرهنگ نیز باشگاه گهرزمین از تجربیات باشگاه گل گهر بهره ببرد. به هر حال عنوان ورزشی را هر دو تیم یدک می‌کشند اما یکی آن را جدی گرفته و دیگری نه.

تجربیات باشگاه گل‌گهر در رقابت با یک تیم ورزشی دیگر از تبریز نشان می‌دهد که چگونه موفق شده‌اند در پوست‌رها با گذاشتن تصویر حسین‌خان بجاقچی و ستارخان باقرخان در کنار هم، این آمادگی ذهنی را از قبل ایجاد کرده‌اند که بازی دو تیم فقط بازی دو شهر از ایران است و نه بازی دو قوم و دعوای دو قومیت.

A large group of young women, mostly wearing black hijabs, are seated in bleachers, clapping and smiling. They are in front of a large mural of a woman in a yellow dress. The scene is outdoors at night.

بودن فضاهای گفت‌وگو، و تجمع انرژی‌های منفی در کوچک‌ترین جرقه.

۶- فاشیسم مجازی؛ دشمن بی‌چهره روز
 فاشیسم مجازی خصوصیات مشخصی دارد:

رويج نفرت قومی و شہری

حریف واقعی
بجای موج‌های ناگهانی حمله
سوءاستفاده از هیجان‌های ورزشی
می‌هویتی و عدم مسؤلیت‌پذیری
لنفرم‌ها نیز با اولویت دادن به محتوای
جنجالی، عملاً به ترویج این رفتارها کمک
می‌کنند. نباید فراموش کرد: امروز جنگ‌ها
در خیابان نیست؛ در کامنت‌هاست. خشونت

همیشه فقط به شکل مثبت ظاهر می‌شود؛ نه این بار شد اما در ادامه به شکل یک جمله، یک ایموجی یا یک کامنت سمنی دیدار می‌شود.

۱- راه حل چیست؟

دشمنی. یک بازیکن تهریزی ناگهان «تأمینده همه ترک‌ها» و یک بازیکن سیرجانی «نماد همه فارس‌ها» می‌شود. این تجرید خطرناک است؛ زیرا دقیقاً همان کاری است که فاشیسم در سطح سیاسی می‌کند: تبدیل انسان به نماد، تبدیل نماد به دشمن، و تبدیل دشمن به هدف.

۵- سکوی ورزشگاه یا سکوی سیاست؟

در کشورهای توسعه‌یافته، ورزش اغلب به ثبات از سیاست، اقتصاد و هویت عمل می‌کند. بسیاری از مردم چیزی برای ابراز وجود ندارند جز یک تیم. در چنین جاهای، شکست یک تیم تبدیل می‌شود به شکست «من». پیروزی تیم می‌شود پیروزی «هویت من».

به همین دلیل است که گاهی دعوای سکوها فقط ورزش نیست؛ عقبه‌ای از ناکامی، خشم اجتماعی و گسست‌های هویتی پشت آن نشسته. در بازی اخیر نیز بخشی از تنش ناشی از همین روند بود: فشار روانی و اقتصادی بالا،

رقابت‌سازی مصنوعی
گاه‌های رسانه‌ها، مدیران، یا حتی برخی مربیان
برای داغ کردن محیط، رقابت را تبدیل
می‌کنند به جنگ حیثیت.

در چنین فضایی، کوچک ترین اشتباه داور،

۴- ورزشکاران؛ سیل نفرت‌هایی که

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۵/۰۵

تمرین کشیده‌اند، تمرین کرده‌اند و فقط برای رقابت سالم آمده‌اند، ناگهان تبدیل می‌شوند به آتش‌پیار معرکه‌ای که اصلاً مال آن‌ها نیست.

در مسابقه اخیر نیز بسیاری از بازیکنان هر دو تیم سعی در آرام کردن فضا داشتند، اما این فضای مجازی و برخی تماشاگران بودند که تصمیم گرفته بودند جنگ را ادامه دهند. ورزشکاران تبدیل می‌شوند به نمادهای جعلی

آزادی بیان با آزادی نفرت اشتباه گرفته می شود.

اگر دهه‌های قبل دعوای ورزشی با سوت پایان دارو خاموش می‌شد، امروز فضای مجازی مسابقه‌ای تازه و بی‌پایان رقم می‌زند؛ مسابقه‌ای بدون دارو، بدون قاعده، و بدون مسئولیت. کاربران با نام‌های جعلی و هویت‌های پنهان هر جمله‌ای را می‌نویسند که در واقعیت جرات گفتش را ندارند. در اتفاقات اخیر نیز بخش بزرگی از التهاب توسط «کامنت‌های ناشناس» ساخته شد. گاهی حتا نه از طرفداران واقعی تیم‌ها، بلکه از کسانی که اصولاً فقط برای آشوب و هیجان وارد بحث می‌شوند. الگوریتم‌ها هم که عاشق خشمون کلامی‌اند، نزاع را بیشتر و بیشتر به چشم کاربران می‌آورند.

این همان «فاشیسم مجازی» است: شکل مدرن خشونت، بدون چهره، بدون مسئولیت و بدون ترمز. در این فضا، شهر تبدیل می‌شود به قوم، تیم تبدیل می‌شود به قبیله، و هر

نتیجه ورزشی به جنک نمادین.

۱- تعصب: وقتی موافقت جمعی به افراط
نفرت تبدیل می شود

تعصب ورزشی زمانی زیباست که به هیجان،
همبستگی و حمایت ختم شود؛ اما وقتی به
قومیت‌گرایی و توهین تبدیل می‌شود، همانند
هر ایدئولوژی افراطی دیگر خطرناک است.
ریشه این افراطی‌گری در چند عامل نهفته

حس نادیده گرفته شدن
شهرهایی مانند سیرجان که از مرکز
تصمیم‌گیری دورند، گاهی ناخواسته بار
عاطفی ناکامی‌ها و محرومیت‌ها را روی
تیم‌های ورزششان می‌گذارند.

حس تحقیر یا تهدید هویتی
برخی هواداران تبریزی نیز حساسیت بالایی
نسبت به مسخره شدن یا نادیده گرفته شدن
دارند. این ترکیب، قبری برای گفتگو و پلی
برای توهین می‌سازد.

ورزش حرفه‌ای را بنیان‌گذارانش همیشه «زبان مشترک انسان‌ها» معرفی کرده‌اند؛ عرصه‌ای برای دوستی، رقابت سالم، فهم متقابل، و نمایش توانایی‌های جسمی و اخلاقی انسان‌ها. از ال‌گویی بدست‌گرفته تا چهارم‌های صلیب، از لیگ‌های مدرن، شاعرانه‌ها همواره برای صلح، رقابت، برابری و رقابت جوانمردانه استوار بوده است. اما همین پدیده که قرار بود پلی میان ملت‌ها و اقوام و شهرها باشد، این روزها گاهی به میدان تقابل‌های خطرناک قومی، شهری و مجازی تبدیل می‌شود. به‌ویژه در کشورهای مثل ایران، که تنوع فرهنگی و زبانی در کنار فشارهای اجتماعی و اقتصادی، زمینه انفجارهای احساسی را افزایش داده است.

۱- ورزش حرفه‌ای؛ ذره‌بین بحران‌های نهفته

ورزش حرفه‌ای نوعی «امپلی فایر احساسی» است؛ یعنی احساسات، هویت، افتخار و خشم مردم را چند برابر تقویت می‌کند. در شرایطی که جامعه زیر فشارهای اقتصادی، سیاسی و روانی قرار دارد، کوچک‌ترین جرقه در میدان sport می‌تواند به انفجاری از خشم ذخیره‌شده تبدیل شود.

مسابقه فوتسال میان تیم سیرجانی و تیم تربیزی در سطح ورزشی یک رقابت عادی بود، اما در سطح اجتماعی تبدیل شده به بستری برای انباشت تاراجاتی به سوزن‌ها و رقابت‌های هویتی. این رقابت در اصل درباره توپ و گل نبود؛ درباره «بودن» و «دیدن شدن» بود. درباره شهری که خود را رها شده می‌بیند در برابر شهری که احساس می‌کند تحقیر شده است، ورزش فقط بستر بروز بود، نه عامل اصلی.

۲- رسانه‌های اجتماعی: جایی که

مناقصه گهرپارک سیرجان

آگهی تجید (نوبت اول) مناقصه عمومی شماره DGO/۱۴۰۴/۰۱



شرکت گهرپارک سیرجان
(سهامی خاص)
شماره ثبت ۵۵۰۶

شرکت گهرپارک سیرجان (سهامی خاص) در نظر دارد نسبت به

«خرید، بارگیری، حمل و تحویل دو دستگاه دیزل ژنراتور کامینز – استمفورد به ظرفیت ۱۱۰۰ KVA، به صورت سایلنت و مطابق استانداردهای بین المللی در محل دهکده بزرگ گردشگری گهرپارک سیرجان»

را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت کنندگان واجد شرایط واگذار نماید. از این رو کلیه متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه از طریق سایت رسمی شرکت گهرپارک به آدرس www.goharpark.ir بخش مزایده ها و مناقصات اقدام نمایند.

- ۱- شرکت در رد و قبول کلیه پیشنهادات بدون هرگونه مسئولیت و جبران خسارت ادعایی مختار است.
- ۲- سپرده شرکت در مناقصه: ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنج میلیارد ریال) به صورت چک میمادی ثبت شده معتبر بانکی
- ۳- آخرین مهلت تسلیم پیشنهادات: ساعت ۱۲ روز سه شنبه ۱۴۰۴/۰۹/۱۸ بوده و هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.
- ۴- کلیه مشخصات لازم در اسناد مزایده ذکر گردیده و پاکت فاقد مهر و لاک باز نمی شوند.
- ۵- محل تحویل اسناد: سیرجان یک کیلومتر ۲۰ جاده سیرجان- شیراز، واحد امور حقوقی و قرارداددهای گهر پارک (آقای شهرآبادی)

* ضمناً میتوانید جهت هماهنگی یا اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۱۵۰۵۹۸۰۱۰ آقای حسینی روزانه از ساعت ۱۴ تا ۱۹ تماس حاصل فرمایید.

بالتیلت سالروز وفات ہمسرو مادر شہیدان حضرت ام البنین ؓ روز تکمیم
مادران و همسران شہدا
را گرامی میداریم

بازار بزرگ میل امام علی (ع) سیرجان - ابتدای بلوار اصلی حجت آباد

جواز اسلحه شکاری
 دو لول کالیبر ۱۲، مدل کوسه به شماره ۱۵۸۰۰۸۳۶
 متعلق به **ابراهیم صفاری فرزند علی اکبر**
 به شماره ملی ۲۴۵۲۰۳۳۶۴۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.